



The Role of Modesty and Hijab in Shaping the Identity of Muslim Women

Hosna Hasanbeygi¹

¹. Level Two of the Women's Seminary. hasanbeygi1377@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article
or
Review Article

Article history:


Received
17/10/2020
Received in revised form
12/11/2020
Accepted
2/12/2020
Available online
9/12/2020

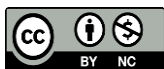
Keywords:
Hijab,
woman,
modesty,
Muslim,
identity.

ABSTRACT

Islam grants women a distinguished status and consistently strives to honor their position. All its commands and prohibitions ultimately aim to cultivate and reinforce the identity of women and to safeguard their dignity. Observing modesty ('iffah) and hijab is one of the emphatic injunctions in Islam, playing a fundamental role in shaping the identity of Muslim women. This study, conducted using a descriptive-analytical method and drawing upon library-based research, concludes that modesty and hijab significantly influence the formation of Muslim women's personal identity by shaping values, goals, and traits such as chastity, purity, self-restraint, piety, dignity, composure, and self-confidence. Furthermore, a woman's familial identity is manifested in her roles as a wife and mother, in which modesty and hijab play a crucial role in constructing and sustaining these identities within the family structure. In the social sphere as well, modesty and hijab—by providing a sphere of protection and dignity—play an irreplaceable role in shaping the social identity of Muslim women.

Cite this article: Hasan Beigi, Hasna (2020). The Role of Modesty and Hijab in the Formation of Muslim Women's Identity. *Journal of Modern Islamic Studies in the Context of Modernity*, 1(1), 94-108.

 <https://orcid.org/0009-0007-3040-838X>



© The Author(s).

Publisher: Quarterly Journal of Modern Islamic Studies and Modern.



نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت زن مسلمان

حسنا حسن بیگی^۱

۱. طلبه سطح حوزه علمیه خواهران. hasanbeygi۱۳۷۷@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

اسلام برای زن و مقام و منزلتش، جایگاهی ویژه قائل است و همواره در پاسداشت مقام زن می‌کوشد و تمامی اوامر و نواهی آن در جهت هویت بخشی به شخصیت زن و گرامی داشت مقام والای اوست. رعایت عفاف و حجاب یکی از دستوره‌های موکد اسلام است که در شکل‌گیری هویت زن مسلمان نقشی اساسی دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استعانت از مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است و نتایج برآمده از آن حاصل بر آن است که عفاف و حجاب با تاثیر در ارزش‌ها، اهداف و خصلت‌هایی چون حیا و پاکدامنی، چیرگی بر هوای نفس، تقوا، وقار و متانت و اعتماد به نفس در شکل‌گیری هویت فردی زن مسلمان نقش دارند. هویت خانوادگی زن نیز در نقش‌های همسری و مادری تعریف می‌شود که عفاف و حجاب نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت مادری و همسری زن مسلمان در خانواده دارد. و نیز در اجتماع، عفاف و حجاب زن بواسطه حریم و منزلتی که برای زن بوجود می‌آورد، در هویت بخشی به او در حوزه اجتماعی نقشی بی‌بدیل رقم می‌زند.

نوع مقاله:

مقاله تخصصی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۹/۱۵

کلیدواژه‌ها:

حجاب،

زن،


عفاف،

مسلمان،

هویت.

استناد: حسن بیگی، حسنا (۱۴۰۴). نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت زن مسلمان. *مطالعات اسلامی نوین در بستر مدرنیته*، ۱ (۱)، ۹۴-۱۰۸.



 <https://orcid.org/0009-0007-3540-838X>

© نویسندگان.

ناشر: فصلنامه مطالعات اسلامی نوین در بستر مدرنیته.

مقدمه

تبلیغات گسترده ضد ارزشی معاندان و تلاش آنها در بی ارزش جلوه دادن عفاف و حجاب در میان جوامع، موجب کمرنگ شدن عفاف و حجاب در سطح جوامع بویژه جوامع مسلمان شده است. آنان هویت با ارزش زن مسلمان را هدف گرفته و در پی درهم شکستن اقتدار و ارزش و حرمت زن مسلمان هستند. آنان به خوبی دریافته اند که عفاف و حجاب در ارزش گذاری و هویت زن مسلمان حرف اول را میزند و برای درهم شکستن شکوه و جلال و عظمت مقام زن مسلمان، باید عفاف و حجاب وی را نشانه رفت. بنابراین بررسی و تبیین نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت زن مسلمان مسئله ای اساسی و حیاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در پیشینه موضوع میتوان به آثاری چون حجاب زن مسلمان از محمدرضا اکبری اشاره نمود که نویسنده در آن با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومین (ع) و نظرات اندیشمندان اسلامی، به اثبات می‌رساند که حجاب یک حکم الهی است که بر اساس فطرت و مصلحت انسان وضع شده است و به ارائه دیدگاهی جامع و مستند در مورد حجاب سوای از نقش آن در هویت زن می‌پردازد. و نیز آثاری چون «ناهمنوایی زنان با حجاب رسمی در ایران: واکاوی دیدگاه موافقان در چارچوب نظریه هراس اخلاقی» از سیمین کاظمی، در این زمینه به نگارش در آمده اند که در این اثر نیز تنها به مقوله عفاف و حجاب و وجود آن از منظر اسلام صرف نظر از نقش آن در هویت زنان پرداخته شده است. ویا میتوان به اثر «مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان» از مریم رفعت جاه و فائزه روح افزا اشاره نمود که در آن به تبیین مجموعه از عوامل اجتماعی و فرهنگی که در هویت دینی زن مسلمان موثرند پرداخته است. اما در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است که بر خلاف سایر پژوهش های انجام شده در این زمینه، تنها بطور ویژه و خاص به تبیین و بررسی نقش عفاف و حجاب، در هویت زن مسلمان پرداخته شود. اهمیت موضوع زمانی مشخص می شود که نبض حیات جامعه در دست زنان است. هر انسانی که متولد میشود در دامن مادری قرار میگیرد که راه و رسم زندگی را از وی می آموزد و این زن است که باید از ارزش های والای انسانی برخوردار باشد تا جامعه ای سالم و بدور از آفت محقق شود. زن در خانواده بعنوان همسر نقشی اساسی در تحکیم خانواده و جلوگیری از پراکندگی فساد در جامعه دارد. حال اگر زن از هویت والا و ارزشمندی برخوردار نباشد جامعه را به تباهی و نابودی می کشاند و نزول هویت زن پایان حیات ارزش ها در جامعه خواهد بود. بنابراین اسلام که دینی جامع است و تمام ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته برای حفظ ارزش زن و هویت بخشی به وی اوامر و نواهی ویژه ای دارد که امر به رعایت عفاف و حجاب مهمترین و برجسته ترین آنان است. در سایه عفاف و حجاب است که هویت زن مسلمان، آنگونه که باید، حفظ و صیانت می شود و موجب سعادت فرد، خانواده و در نهایت جامعه می شود.

نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت زن مسلمان چیست؟

نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت فردی زن مسلمان چیست؟

نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت خانوادگی زن مسلمان چیست؟

نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت اجتماعی زن مسلمان چیست؟

هدف از نگارش این پژوهش بررسی و تبیین نقش عفاف و حجاب در شکل گیری هویت والای زن مسلمان می باشد تا قدری از اهمیت و حساسیت موضوع بر همگان آشکار شود.

۱- مفهوم شناسی

مفهوم‌شناسی به‌منزله نخستین گام در هر پژوهش علمی، به تبیین دقیق مفاهیم بنیادینی می‌پردازد که چارچوب نظری تحقیق را شکل می‌دهند. در این بخش، با تحلیل واژگانی و ترمینولوژیک اصطلاحات اصلی، مرزهای معنایی آن‌ها مشخص شده و از خلط مفهومی جلوگیری می‌شود. چنین رویکردی امکان فهم عمیق‌تر موضوع و استنباط دقیق‌تر نتایج پژوهش را فراهم می‌آورد.

۱.۱. حجاب

واژه «حجاب» از ریشه «حَجَبَ» در زبان عربی به‌معنای «منع، ستر، پنهان کردن و فاصله‌انداختن» است. ابن منظور در لسان العرب، حجاب را به معنای «ستر و حاجز بین الشیء و غیره»؛ یعنی پوششی که میان دو چیز حائل می‌شود، تعریف می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۰۲). همچنین در این لغت‌نامه، مشتقات این ریشه همچون «الحاجب»، «الحاجز»، «المحجوب» و «الحجاب» همگی بر معنای بازداشتن و پوشاندن دلالت دارند (همان، ص ۱۰۴).

در فارسی نیز واژه حجاب معادل‌های متعددی دارد؛ از جمله «پرده، پوشش، روبند، نقاب، جلباب، چارقد و روسری». در فرهنگ عمید، حجاب به معنای «پرده و پوششی که مانع دید می‌شود» آمده است (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۹۱) و در فرهنگ معین چنین تعریف شده است: «هرگونه پوششی که بخشی از بدن را بپوشاند یا آن را از دید دیگران نهان سازد» (معین، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۴). از منظر زبان‌شناختی، واژه‌هایی مانند «خِمار»، «نِقَاب»، «جلباب» و «بُرْقُع» که در قرآن و روایات نیز به کار رفته‌اند، همگی انواع خاصی از پوشش زنانه را نشان می‌دهند که کارکرد اصلی آن‌ها ایجاد حریم بصری و اخلاقی است.

۲.۱. عفاف

«عفاف» از ریشه «عَفَّ» به معنای «خودداری، امتناع و نگهداشتن نفس از امور ناپسند» است. ابن منظور در لسان العرب، عفاف را به «كَفَّ النَّفْسَ عَمَّا لَا يَحِلُّ»؛ یعنی بازداشتن نفس از آنچه نارواست، معنا می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۱۲). در این لغت‌نامه، عفت به «ترک الشهوات و اجتناب الفواحش» تعریف شده است (همان، ص ۳۱۵).

در زبان فارسی نیز عفاف مفهومی نزدیک به «پارسایی، پاکدامنی، نجابت، تقوا و شرم» دارد. فرهنگ عمید عفاف را «خویشتن‌داری از کارهای ناشایست» (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۱) و فرهنگ معین آن را «پرهیز از گناه و دوری از امور پست» ذکر می‌کند (معین، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۸).

از منظر معنایی، عفاف نوعی حالت درونی و ملکه روحانی است که فرد را بدون اجبار بیرونی از ارتکاب رفتارهای ناپسند بازمی‌دارد. در دانش اخلاق اسلامی، «العِفَّة» یکی از فضائل چهارگانه اصلی شمرده می‌شود و ریشه بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مانند حیا، پاکدامنی و پرهیزکاری است.

۳.۱. هویت

«هویت» در اصل از واژه عربی «هُوَ» مشتق شده و به معنای «ذات، ماهیت، حقیقت ثابت و چستی» است. لغت‌نامه‌های عربی مانند تاج العروس هویت را «الحَقِيقَةُ الثَّابِتَةُ لِلشَّخْصِ»؛ یعنی مجموعه اوصاف ثابت‌کننده شخصیت فرد می‌دانند. در لسان العرب نیز «الهُوِّيَّةُ» به «ما يُمَيِّزُ الشَّيْءَ عَنِ غَيْرِهِ»؛ یعنی آنچه موجب تمایز و تشخیص انسان می‌شود، تعریف شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۵).

در فارسی، هویت معادل‌هایی مانند «ماهیت، وجود، تشخص، چیستی، کیستی، شناسه و نام‌ونشان» دارد. فرهنگ عمید، هویت را «ماهیت و حقیقت هر چیز» (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۷۳) و فرهنگ معین آن را «مشخصاتی که یک فرد یا گروه را از دیگران متمایز می‌سازد» تعریف می‌کند (معین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۴۵).

از منظر مفهومی، هویت در علوم انسانی مجموعه‌ای از عناصر معرفتی، روانی، اخلاقی و اجتماعی است که فرد را در جهان تعریف و متمایز می‌کند. هویت زن مسلمان نیز برآیند مجموعه باورها، ارزش‌ها و نقش‌های فردی و اجتماعی اوست که عفاف و حجاب نقشی بنیادین در ساختار آن دارند.

۲- اهمیت و جایگاه

انسان به صورت فطری و غریزی، فارغ از هر شخصیت و خُلق و خو، عریانی را مغایر با ذات خویش دانسته و پوشیدگی را نشانه نجابت و عفت می‌شمارد؛ امری که ریشه در آغاز خلقت بشر دارد، آن‌گاه که پس از ارتکاب خطا، آدم و حوا به سبب شرم، خود را با برگ‌ها پوشاندند (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۵). حجاب و عفاف در ایران نیز پیشینه‌ای دیرینه داشته و مختص زنان نبوده است؛ بلکه پوشش برای مردان و زنان، امری مرسوم شمرده می‌شد. با این حال، حجاب کامل غالباً به طبقات برتر و اشراف اختصاص داشت؛ چنان‌که زنان اشراف ملزم به پوششی کامل تا حد پوشاندن چهره بودند و این امر، نشان‌دهنده شأن اجتماعی آنان تلقی می‌شد (شیخ شعاعی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱). بنابراین، حجاب علاوه بر کارکرد اخلاقی، کارکرد تمایزبخشی اجتماعی نیز داشته و موجب مباهات طبقات ممتاز به شمار می‌آمد (گمشادزهی، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

در حقیقت، عفاف به منزله بُعد درونی حجاب است و به واسطه تأثیر دوسویه ظاهر و باطن، میان پوشش ظاهری و خویشتنداری باطنی پیوندی متقابل برقرار است؛ بدین معنا که افزایش پوشش ظاهری، زمینه تقویت عفاف و بالعکس را فراهم می‌کند (ماهینی، ۱۳۸۹، ص ۷۸). امروزه نفوذ فرهنگ برهنگی غرب، تبلیغات ضد ارزشی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ابعاد مختلف زندگی به‌ویژه سبک پوشش زنان را دچار دگرگونی ساخته و اهمیت حجاب و عفاف را در جوامع تضعیف کرده است (قرباغی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۶). غفلت از این ارزش‌ها، همانند آنچه در غرب رخ داده، جامعه را در معرض بی‌بندوباری و نابسامانی اخلاقی قرار می‌دهد؛ زیرا در فرهنگ غربی، زن به منزله ابزاری برای بهره‌جویی جنسی معرفی شده و روابط آزاد، بنیان‌های اخلاقی و خانوادگی را سست می‌کند (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

کشش غریزی زن و مرد امری طبیعی است؛ اما این گرایش باید در چارچوب ازدواج و روابط مشروع سامان یابد و هر رابطه‌ای بیرون از این چارچوب، از منظر اسلام حرام بوده و پیامدهایی فردی، اجتماعی و اخلاقی برجای می‌گذارد (فعالی، ۱۳۹۳، ص ۵۳). از این رو، تأکید اسلام بر پوشش، تلاشی برای مهار روابط نامشروع و پیشگیری از انحرافات اخلاقی است (موسوی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۹). اسلام با نگرشی تکریم‌آمیز، برای زن مسلمان هویتی والا قائل شده و او را به واسطه ارزش‌های درونی‌اش، شایسته حفظ کرامت و مصونیت از تعرض دانسته است (هاشم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

خداوند نیز در قرآن کریم به زنان توصیه می‌کند جلایب خود را فرو اندازند تا با عفت شناخته شده و از آزار در امان بمانند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۱۲). این آیه نه از سر تهدید، بلکه با تبیین حکمت حجاب بیان می‌شود: پوشش، سپری برای مصونیت زنان در برابر آزار و جسارت افراد فاسد است (معین، ۱۳۸۷، ص ۵۴). از این رو، حجاب از ارزشمندترین موهبت‌های اسلامی برای زنان به‌شمار می‌آید و حذف آن، تلاشی برای سلب هویت زن مسلمان است. جایگاه والای زن اقتضا دارد که این گوهر آفرینش در صدف حجاب محفوظ بماند تا کرامت انسانی او مصون بماند (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

۳- نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت فردی زن مسلمان

هویت فردی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، باورها، ارزش‌ها و اهداف شخصی اشاره دارد که فرد را بعنوان یک موجود منحصر به فرد معرفی میکند. حجاب هویت و شخصیت زن مسلمان است و زدودن حجاب از زن با هدف هویت‌زدایی از زن مسلمان است. عفاف و حجاب با تاثیر در ارزش‌ها، باورها و اهدافی چون حیا و پاکدامنی، چیرگی بر هوای نفس، تقوا، دیانت، وقار و متانت و اعتماد بنفس در شکل‌گیری هویت زن مسلمان نقشی اساسی دارد که در ادامه به شرح و تفصیل این موارد پرداخته خواهد شد.

۳-۱. حیا و پاکدامنی

حیا در بنیانی‌ترین سطح خود، از ریشه «حیی» گرفته شده و در لغت به معنای شرم، آزر، پرهیز و خویش‌تنداری از زشتی‌ها آمده است (معین، ۱۳۸۷، ص ۴۲). این واژه در فرهنگ اخلاق اسلامی نه تنها یک مفهوم فردی، بلکه یک خصلت بنیادین انسانی تلقی می‌شود که نقش مهمی در تعالی روح و رسیدن به فضایل اخلاقی دارد؛ چنان‌که از آن به «رأس مکارم» یاد شده است (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۸). حیا در اصطلاح اخلاق اسلامی، حالتی روانی است که فرد در اثر درک حضور الهی و آگاهی از پیامدهای اعمال ناشایست، دچار نوعی انقباض روحی، خجالت درونی و امتناع از زشتی‌ها می‌شود. این حالت موجب می‌گردد که انسان به صورت درونی و بی‌نیاز از اجبار بیرونی، رفتار خود را در چارچوب شرع و عرف تنظیم کند (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۷۵).

حیا نیرویی مهارکننده و تنظیم‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است و از دیگر عوامل بازدارنده عمیق‌تر و پایدارتر است؛ زیرا برخلاف ترس یا طمع، ریشه در کرامت انسانی دارد و بر پایه احترام فرد به خود شکل می‌گیرد (جباری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۲). زمانی که انسان—به‌ویژه زن—خود را در محضر خدا بداند، بدون نیاز به ناظر بیرونی، از ارتکاب اعمال خلاف شرع و عرف پرهیز می‌کند و این خویش‌تنداری، زمینه‌ساز پاکدامنی می‌شود (قزائتی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۹). از این منظر، حیا نه تنها مقدمه عفاف و حجاب است، بلکه حلقه پایانی این سه‌گانه اخلاقی نیز به‌شمار می‌آید؛ زیرا عفاف به‌منزله‌ی خویش‌تنداری درونی و حجاب به‌عنوان نمود بیرونی پوشش، هر دو مقدمه تحقق حیا هستند و حیا نیز ضامن تداوم عفاف و حجاب است (ماهینی، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

حیا در هویت زن مسلمان جایگاهی کلیدی دارد. رعایت حجاب و عفاف نه تنها پوششی جسمانی، بلکه سپری روانی برای تقویت حیاست و زنی که در رفتار و پوشش خود معیارهای شرعی را رعایت می‌کند، در واقع پله‌های رشد حیا را در درون خویش بالا می‌پیماید (هاشم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۸۵). اهمیت این صفت به اندازه‌ای است که قرآن کریم با ذکر نمونه‌هایی از زنان باحیا، این ویژگی را ستوده و آن را ارزشی الهی معرفی می‌کند. برای نمونه، در داستان حضرت موسی (ع)، قرآن کریم درباره دختران شعیب می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»؛ یعنی یکی از آن دو دختر در حالی نزد موسی آمد که با حالت شرم و حیای خاصی راه می‌رفت (قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۱). این بیان قرآنی نشان‌دهنده آن است که رفتار همراه با حیا، از برجسته‌ترین کمالات زن معرفی شده و مورد تقدیر الهی قرار گرفته است.

رابطه حیا با عفاف و حجاب رابطه‌ای تنگاتنگ و ملازم است؛ زیرا حیا به‌طور ذاتی صفتی مبتنی بر پرهیز، بازدارندگی، پوشانندگی و چشم‌پوشی است و این کیفیات بدون تحقق عفاف و حجاب از بین می‌روند (شفیعی سروستانی و میرشفیعی، ۱۴۰۰، ص ۴۴). در نتیجه، تحقق حیا بدون رعایت حجاب و عفاف ممکن نیست و این دو عامل، زمینه‌ساز ایجاد و تثبیت حیا در شخصیت و هویت زن مسلمان‌اند. از سوی دیگر، حیا به‌عنوان نیروی بازدارنده از خطا، نقشی جدی در حفظ پاکدامنی ایفا می‌کند و از آن‌رو که پاکدامنی یکی از ملزومات اساسی اسلام است، می‌توان نتیجه گرفت که عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت اخلاقی زن مسلمان نقش بنیادی دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۷۹).

۲-۳. چیرگی بر هوای نفس

نفس در تعالیم اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف انسان از مسیر حق معرفی شده است. بسیاری از آیات و روایات، نفس را عامل گمراهی، سقوط اخلاقی و شقاوت ابدی دانسته‌اند؛ تا آنجا که از آن به‌عنوان «نفس اماره» یاد شده که آدمی را به بدی‌ها فرمان می‌دهد (حسینی، ۱۴۰۲، ص ۳۷). در منابع حدیثی، نفس سرکش به مرکبی تشبیه شده که اگر مهار نشود، انسان را به ورطه هلاکت می‌کشاند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۴). بر همین اساس، مبارزه با نفس و کنترل خواسته‌های نفسانی در سیره اسلامی از مهم‌ترین وظایف مؤمن شمرده شده است.

زن مسلمان، به‌عنوان موجودی که نقش حساسی در تربیت نسل و انتقال ارزش‌های اخلاقی دارد، بیش از دیگران نیازمند تقویت عواملی است که او را در برابر امیال نفسانی استوار می‌سازند (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۹۲). یکی از این عوامل، رعایت عفاف و حجاب است. عفاف و حجاب نه تنها تکلیف شرعی، بلکه سازوکاری اخلاقی برای مهار خواهش‌های نفسانی و ایجاد نظم درونی است. زیرا هنگامی که زن در پرتو حجاب، نگاه‌ها و رفتارهای خود را کنترل می‌کند، نفس او به تدریج به خویشتنداری عادت می‌کند و از تسلیم در برابر شهوات بازمی‌ماند (فعالی، ۱۳۹۳، ص ۵۸).

عفاف و حجاب در این‌جا دارای دو نقش اساسی‌اند: نخست آن‌که به‌مثابه سپری در برابر نفوذ نگاه‌های آلوده و تحریک‌های اجتماعی عمل کرده و از ورود محرک‌های خطرناک به حوزه روانی زن جلوگیری می‌کنند؛ و دوم آن‌که درونی‌ترین لایه‌های شخصیت زن را به‌واسطه تمرین مستمر خویشتنداری تقویت می‌سازند (پورصاغر، ۱۴۰۰، ص ۱۱۴). فلسفه حجاب نیز در بسیاری از متون اسلامی همین است: حفظ هویت انسانی زن و مصون داشتن او از نگاه‌های شهوانی و فضاهای آلوده (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۲۱). از این منظر، حجاب نه یک محدودیت، بلکه ابزاری برای پاسداری از کرامت زن است.

در برخی منابع دینی و روان‌شناختی اشاره شده است که زنان از نظر ساختار زیستی و روانی، زمینه‌هایی دارند که ممکن است آنان را مستعد رفتارهایی مانند خودنمایی، تبرج، تجمل‌گرایی یا جلب توجه کند؛ رفتارهایی که اگر از چارچوب اخلاقی خارج شوند، می‌توانند زمینه انحرافات اخلاقی را فراهم کنند (گمشادزهی، ۱۳۷۹، ص ۵۸). این تمایل، اگرچه در اصل خود طبیعی است و در اسلام نیز مورد انکار قرار نگرفته، اما باید به مسیر صحیح و مشروع هدایت شود. حجاب به‌منزله مانعی بیرونی و عفاف به‌عنوان عاملی درونی، این تمایلات را تنظیم کرده و از انحراف آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

زن مسلمان با رعایت حجاب، نوعی «مرز اخلاقی» میان خود و محیط پیرامون ایجاد می‌کند. این مرز، نگاه‌های آلوده و رفتارهای ناسالم را کاهش داده و از ورود زن به فضایی که او را در معرض آسیب‌های اخلاقی قرار می‌دهد جلوگیری می‌نماید (ربیع‌نتاج و روح‌الله‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۸۹). همین امر، زمینه پرورش «ملکه نفسانی» درونی را فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که مقاومت زن در برابر تمایلات، قدرت بیشتری می‌یابد و به‌جای پیروی از هوای نفس، بر آن چیره می‌شود.

در نگاه اسلامی، چیرگی بر نفس چنان اهمیت دارد که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «لیس علی وجه الأرض أكرم علی الله... من النفس المطیعة لأمره»؛ هیچ چیز در زمین نزد خداوند گرامی‌تر از نفسی که فرمانبردار او باشد، نیست (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۲). بنابراین، زن مسلمان زمانی در مسیر هویت‌یابی صحیح گام برمی‌دارد که با ابزارهایی چون عفاف و حجاب، زمینه اطاعت درونی و مهار هوای نفس را در خود تقویت کند.

۳-۳. تقوا

تقوا یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم اخلاق اسلامی است و در متون دینی با واژه‌هایی همچون «وقایه»، «صیانت»، «پوشش» و «حفاظت» معادل‌سازی شده است. ریشه لغوی آن از «وقی» به معنای نگاه‌داشتن و حفظ کردن است؛ بدین معنا که انسان خود را در برابر خطرات، آسیب‌ها و انحرافات اخلاقی محافظت کند (شریفی، ۱۳۹۰، ص ۴۴). در اصطلاح دینی، تقوا به معنای خودنگهداری در برابر معصیت، انجام واجبات و حرکت در مسیر الهی است؛ حالتی که انسان را در حصار امن قرار می‌دهد و از سقوط اخلاقی و روحی نجات می‌بخشد (حقانی زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۷۸).

این حصار معنوی تنها با رعایت برخی دستورهای الهی شکل می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عفاف و حجاب است. حجاب به‌عنوان یک نوع «وقایه» یا پوشش ظاهری، همان نقشی را بازی می‌کند که در معنای لغوی تقوا نهفته است؛ یعنی محافظت از انسان در برابر فساد و آلودگی‌های اجتماعی (حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۷۱). زن هنگامی که با رعایت حجاب، بدن خود را از نگاه‌های بیگانه می‌پوشاند، در واقع نوعی صیانت الهی را پذیرفته است. این پذیرش، خود تمرینی روزانه برای تقوا محسوب می‌شود، زیرا زن با هر بار انتخاب پوشش صحیح، در حال تقویت اراده و خودنگهداری است (موسوی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

از سوی دیگر، تقوا تنها در سطح رفتار ظاهری معنا نمی‌یابد؛ بلکه اساس آن در بُعد درونی و اخلاقی شکل می‌گیرد. عفاف در اینجا کارکردی تکمیلی دارد؛ زیرا عفاف نوعی خویشتنداری باطنی است که بدون الزام بیرونی، فرد را به حفظ ارزش‌های اخلاقی سوق می‌دهد (ماهینی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). به بیان دیگر، حجاب سپر بیرونی و عفاف سپر درونی است؛ و هنگامی که این دو با یکدیگر ترکیب شوند، تقوا به‌عنوان حالت پایدار اخلاقی در وجود زن پدیدار می‌گردد (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۹۱).

در قرآن کریم بارها بر این نکته تأکید شده است که تقوا عامل برتری انسان‌ها نزد خداوند است. پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ یعنی گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵). در این نگاه، هویت اصیل انسان نه به جنسیت یا موقعیت او، بلکه به تقوای او وابسته است. بنابراین زن مسلمان زمانی به هویت حقیقی خود دست می‌یابد که بتواند به سطحی از خودنگهداری برسد که از نگاه الهی ارزشمند تلقی شود.

حجاب و عفاف از دو مسیر زمینه‌ساز تقوا هستند؛ نخست از طریق حفاظت زن در برابر تحریک‌های بیرونی، و دوم از طریق تقویت کنترل درونی و اراده اخلاقی. زن وقتی عفاف و حجاب را رعایت می‌کند، در واقع از خود در برابر خطراتی محافظت می‌کند که ممکن است به شخصیت و هویت او آسیب بزنند. این همان معنای دقیق تقواست: «حفظ نفس از آسیب و نگهداری آن از لغزش» (حسینی، ۱۴۰۲، ص ۳۹).

از سوی دیگر، چون نافرمانی از دستور الهی موجب دوری از خدا و در نهایت موجب خسران معنوی است، رعایت حجاب به‌منزله خودنگهداری در برابر عذاب الهی نیز محسوب می‌شود. ترک حجاب برای زن مسلمان تنها یک خطا نیست، بلکه نوعی «رفع وقایه» است که او را از دژ تقوا بیرون می‌آورد و در برابر آسیب‌ها بی‌دفاع می‌گذارد (طهری‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۶۲). بنابراین، رعایت عفاف و حجاب نه تنها وظیفه شرعی، بلکه تمرین مستمر تقواست و نقشی مهم در شکل‌گیری هویت اخلاقی و معنوی زن مسلمان دارد.

۳-۴. اعتماد بنفس

اعتمادبه‌نفس در آموزه‌های اسلامی به معنای تکیه بر توانمندی‌های خدادادی، استفاده از قابلیت‌های درونی و اتکا بر اراده خویش در پرتو توکل به خداست (لواسانی و آذربایجانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸). این مفهوم هیچ‌گونه پیوندی با عجب، غرور، خودنمایی

یا خودپسندی ندارد، بلکه برعکس، اعتمادبه‌نفس اسلامی بر پایه شناخت کرامت انسانی و استقلال از وابستگی به دیگران شکل می‌گیرد (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۸). از نگاه دینی، فرد مؤمن زمانی دارای اعتمادبه‌نفس حقیقی است که در کنار تلاش و به‌کارگیری توانایی‌های فردی، امید خویش را تنها به خداوند وابسته بداند. همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «استعن بالله و لا تعجز»؛ از خدا یاری بخواه و ناتوان مشو (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۲). این روایت بنیاد خوداتکایی سالم را تشکیل می‌دهد.

در میان زنان، مسئله اعتمادبه‌نفس اهمیتی مضاعف دارد. از نظر روان‌شناختی، زنان ممکن است در برابر عوامل بیرونی همچون نگاه‌های دیگران، قضاوت‌های جامعه یا فشارهای اجتماعی حساس‌تر باشند و این موضوع می‌تواند اعتمادبه‌نفس آنان را تضعیف یا تقویت کند (آل‌رسول، ۱۳۹۱، ص ۷۵). در چنین بستری، حجاب و عفاف نقشی اساسی در شکل‌دهی و تثبیت اعتمادبه‌نفس دارند. زن محجبه به جای آن که ارزش خود را در معرض تأیید ظاهری دیگران بسنجد، شأن و کرامت خویش را با رعایت حدود الهی حفظ می‌کند؛ این امر موجب احساس عزت‌نفس و اقتدار درونی می‌شود (جزایری، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

از سوی دیگر، بسیاری از رفتارهای افراطی مانند خودنمایی، تبرج، تجمل‌گرایی، پیروی کورکورانه از مد و استفاده از پوشش‌های نامتعارف، در واقع نوعی تلاش ناخودآگاه برای جبران کمبود اعتمادبه‌نفس است (گمشادزهی، ۱۳۷۹، ص ۵۱). زنانی که دچار ضعف در هویت شخصی‌اند، برای دیده‌شدن به ظاهر خود متوسل می‌شوند؛ اما زنی که به‌واسطه عفاف و حجاب، معیارهای اخلاقی را در مرکز هویت خود قرار داده است، نیازی به چنین رفتارهایی ندارد و اعتمادبه‌نفس او از درون تغذیه می‌شود (ایروانی و عمادی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

عفاف و حجاب از آن جهت موجب اعتمادبه‌نفس می‌شوند که زن را از وابستگی به نگاه‌های بیرونی رها می‌کنند. این رهایی، او را مستقل، متکی‌به‌نفس و از نظر روانی استوار می‌سازد. زن محجبه هنگامی که به جای استفاده از ظواهر برای جلب توجه، از استعدادها و توانایی‌های واقعی خود بهره می‌برد، عملاً در حال ساختن اعتمادبه‌نفس حقیقی است (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷۱). بنابراین، حجاب و عفاف نه‌تنها حافظ هویت اخلاقی زن، بلکه تقویت‌کننده شخصیت فردی و اعتمادبه‌نفس او هستند.

۳-۵. وقار و متانت

وقار و متانت از برجسته‌ترین ویژگی‌های زنان در فرهنگ انسانی و اسلامی هستند. این صفت در همه فرهنگ‌ها نشانه بلوغ شخصیتی و نشانه هویت زنانه شمرده شده است؛ به‌گونه‌ای که جامعه، زن را با میزان وقار و متانت او می‌شناسد (آقا شریفیان اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). در اسلام نیز وقار و متانت جایگاهی بس والا دارد. خداوند در قرآن خطاب به زنان می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»؛ یعنی در جایگاه خویش با متانت و سکینه قرار گیرید (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۱۹). مفسران این آیه را نه به معنای خانه‌نشینی، بلکه به معنای پرهیز از خودنمایی، حفظ وقار و رعایت رفتار اجتماعی شایسته دانسته‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۱۲). آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره قصص نیز نمونه‌ای زیبا از رفتار باوقار زنان را بیان می‌کند؛ آنجا که دختران شعیب برای پرهیز از اختلاط با مردان، کنار می‌ایستند تا دیگران از کنار چاه دور شوند، سپس به کار خود می‌پردازند. قرآن این رفتار را تأیید کرده و آن را الگویی برای حفظ متانت زن ذکر کرده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۸۹). این نشان می‌دهد که وقار زن نه‌تنها در رفتار ظاهری، بلکه در نحوه حضور اجتماعی معنا پیدا می‌کند.

پیوند وقار با عفاف و حجاب امری روشن است. زنی که عفاف و حجاب را رعایت می‌کند، درواقع «مرزهای وقار» را محترم شمرده است. حجاب، امکان عرضه جذابیت‌های جسمانی را محدود می‌کند و این محدودیت، زن را به سوی نمایش وجوه شخصیتی و عقلانی سوق می‌دهد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). بنابراین، حجاب عامل تقویت وقار و متانت و در نتیجه هویت زن

است. زنی که فاقد عفاف و حجاب باشد، نمی‌تواند در بلندمدت تصویر باوقار و متینی از خود ارائه دهد؛ زیرا اساس وقار بر کنترل نفس، رعایت حدود و حفظ حرمت خویش است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

وقار و متانت به‌عنوان ارزش‌هایی پایدار در شخصیت زن، نقش مهمی در هویت‌یابی او دارند. زن با رعایت حجاب، ضمن محافظت از شخصیت اخلاقی خود، به نوعی احترام اجتماعی نیز دست می‌یابد؛ زیرا جامعه، زن باوقار را قابل اعتمادتر، محترم‌تر و شایسته‌تر می‌داند (نوری و اسلامپور کریمی، ۱۳۹۳، ص ۹۹).

۴- نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت خانوادگی زن

هرچند که خانواده اولین نهاد اجتماعی است و باید از هویت خانوادگی زن در بخش هویت اجتماعی صحبت کرد اما بدلیل اهمیت هویت همسری و هویت مادری در حوزه خانواده، واجب شد که در بخشی جداگانه به بررسی نقش عفاف و حجاب در هویت خانوادگی زن پرداخته شود.

۴-۱. هویت همسری

در نظام ارزشی اسلام، هویت همسری بر پایه وفاداری، پایبندی به عفت و پاسداری از پیمان زناشویی تعریف می‌شود. در متون دینی، ازدواج با زن عقیق از برجسته‌ترین توصیه‌ها به شمار می‌آید؛ چنان‌که امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَقِيْقَةُ الْعَلِمَةُ»؛ یعنی «بهترین زنان شما، زنان با عفت و شوهردوست‌اند» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۲). در این نگاه، هویت و چیستی همسر، ارتباط مستقیم با وفای او به پیمان تشکیل خانواده دارد؛ زیرا اگر وفای به عهد و میثاق ازدواج در میان نباشد، اساس ازدواج به‌عنوان عقدی محکم و الهی از معنا تهی می‌شود (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

وفاداری، به‌ویژه در دوران غیبت همسر، نمود عینی و برجسته‌تری پیدا می‌کند. همسر وفادار، خود را متعهد به صیانت از حرمت و آبروی همسر می‌داند و در نبود او نسبت به پاسداری از حدود خانوادگی کوتاهی نمی‌کند (آل‌رسول، ۱۳۹۱، ص ۸۸). در این میان، عفاف و حجاب در تقویت این هویت نقش بنیادین دارند؛ زیرا هنگامی که زن برخوردار از عفاف باشد - یعنی خویشنداری درونی در برابر آلودگی و گناه - به خود اجازه نمی‌دهد که ناپاکی را به حریم زندگی زناشویی وارد کند (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۶۲). عفاف به‌عنوان یک عامل درونی، به حجاب به‌عنوان نمود بیرونی راه می‌برد و زن را ملزم می‌سازد که در نبود همسر نیز خود را از دیدگان نامحرمان بیوشاند (ماهینی، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

از منظر تعالیم اسلامی، عفاف و حجاب این باور را در زن نهادینه می‌کند که زیبایی ظاهری، جذابیت‌های زنانه و جلوه‌های عاطفی و جسمانی، امانتی الهی‌اند که تنها باید برای همسر مشروع نمود پیدا کنند و پوشاندن آن‌ها از دیگران واجب است (هاشم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۱). چنین نگرشی، هم‌کیان خانواده را محفوظ نگاه می‌دارد و هم مانع فروپاشی بنیان زندگی مشترک می‌شود. زن عقیقی که حجاب او را از نامحرمان می‌پوشاند، با وفاداری خویش، هم خود را از لغزش بازمی‌دارد و هم همسرش را از قرار گرفتن در معرض آسیب‌های احتمالی حفظ می‌کند (جزایری، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

از سوی دیگر، مطابق آموزه‌های اسلامی، مرد دارای غریزه‌ای به نام غیرت است؛ غریزه‌ای که ریشه در فطرت دارد و اجازه نمی‌دهد مرد نسبت به بی‌عفتی یا بی‌حجابی همسرش بی‌تفاوت بماند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۸). زن با رعایت عفاف و حجاب، آرامش روانی همسر را تأمین کرده و فضای سالم و پایدار برای زندگی خانوادگی ایجاد می‌کند. بنابراین، عفاف و حجاب زن، به‌دلیل آن‌که کارکردی مستقیم در ایفای نقش همسری دارد، در هویت‌بخشی به زن در جایگاه همسر نقشی انکارناپذیر ایفا می‌کند (تقفی تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲۱).

۴-۲. هویت مادری

هویت مادری در آموزه‌های اسلامی، بر پایه مهر و عطوفت، دلسوزی، مراقبت و تربیت درست فرزندان تعریف می‌شود؛ هرچند مسئولیت مادر بسیار گسترده‌تر از این امور است، اما اساسی‌ترین بعدی که به زن هویت مادری می‌بخشد، توان او در پرورش جسمی، روانی و اخلاقی فرزندان است (نوری و اسلامپور کریمی، ۱۳۹۳، ص ۹۴). کودک از لحظه تولد، نخستین الگو و آموزگار زندگی را در آغوش مادر می‌یابد و محبت و رفتار مادر نخستین بذرهای شخصیت را در وجود او می‌کارد (اسکندری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

تأثیر مادر بر فرزند تنها به دوران پس از تولد محدود نمی‌شود، بلکه جنین نیز در دوران بارداری از ویژگی‌های اخلاقی، روحی و معنوی مادر تأثیر می‌پذیرد. حالات عاطفی، اعمال و رفتارهای مادر آثار وضعی بر جنین دارد و این اثرگذاری، افزون بر نقش وراثت، موجب انتقال برخی صفات اخلاقی و روحی به فرزند می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۹). بنابراین، مادر هم از طریق ژنتیک و هم از طریق محیط عاطفی و تربیتی بر شخصیت کودک تأثیرگذار است و نقش او در شکل‌گیری هویت فرزند نقشی بی‌بدیل است (ربیع‌نتاج و روح‌الله‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

در این میان، عفاف و حجاب جایگاهی اساسی در هویت مادری دارند. مادر عفیف و پاکدامن، به سبب روحیه درونی مبتنی بر پاکی، در تربیت فرزند موفق‌تر و پایدارتر عمل می‌کند؛ زیرا فرزندی که در محیطی آکنده از پاکدامنی رشد یابد، احتمالاً ارزش‌های اخلاقی و دینی را عمیق‌تر درونی می‌کند (پوراصغر، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷). در مقابل، مادری که نسبت به حجاب و عفاف بی‌توجه است، نمی‌تواند الگوی مناسبی برای انتقال ارزش‌های پاکدامنی به فرزند باشد.

قرآن کریم با تعبیر «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» (بقره: ۲۲۳)، نقش مادر در انتقال صفات الهی و انسانی به فرزندان را یادآور می‌شود؛ یعنی زنان همچون کشتزارانی هستند که بذر شخصیت و اخلاق آینده در وجود آنان شکل می‌گیرد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۳). از آنجا که عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت اخلاقی زن تأثیرگذار است، فقدان این ویژگی‌ها می‌تواند اساس تربیت را با خلل مواجه سازد و در نتیجه، هویت مادری زن مسلمان را مخدوش کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۹۲).

بر این اساس، بهره‌مندی زن از عفاف و حجاب، نه تنها در شخصیت فردی او نقش دارد، بلکه در هویت او به‌عنوان مادر نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند. مادری که پاکدامنی در رفتار و ظاهرش متجلی است، الگوی عینی صفات اخلاقی برای فرزند می‌شود و بدین‌وسیله، وظیفه الهی تربیت نسل سالم را به‌درستی به انجام می‌رساند (حسینی، ۱۴۰۲، ص ۴۲).

۵- نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت اجتماعی زن

زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند و با برخورداری از استعدادها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خلاقانه، حق مشارکت در عرصه اجتماعی را دارند. حضور مؤثر و سازنده آنان زمانی محقق می‌شود که قابلیت‌ها و توانایی‌های حرفه‌ای ایشان تحت تأثیر بهره‌کشی‌های جنسیتی قرار نگیرد و ویژگی‌های زنانه آنان در پشت پرده عفاف و حجاب، مصون از نگاه‌های ابزاری باقی بماند (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). برخی بر این باورند که رعایت پوشش اسلامی و پایبندی به عفاف، به دلیل وجود محدودیت‌های ظاهری، مانع حضور فعال و متعادل زنان در جامعه می‌شود و آنان را از اختلاط با مردان و ایفای نقش اجتماعی بازمی‌دارد؛ از این رو آن را عاملی بازدارنده تلقی می‌کنند (لواسانی و آذربایجانی، ۱۳۹۱، ص ۷۹).

حال آنکه عفاف و حجاب در عرصه اجتماعی حکم حفاظ و سپری را دارد که زن در سایه آن از هرگونه تحقیر و بی‌حرمتی مصون می‌ماند. حجاب در منظومه اسلامی نه وسیله محدودسازی، بلکه ابزار هویت‌بخشی است؛ ابزاری که ارزش وجودی زن را از

تنزل به مقام ابزار شهوت‌ورزی محافظت می‌کند و اجازه نمی‌دهد زن در جامعه به کالایی مصرفی تبدیل شود (هاشم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۸). هویت اجتماعی زن بر پایه نوع شناخت و برداشت او از هستی، روابط انسانی و مسیر رشد اخلاقی و اجتماعی‌اش شکل می‌گیرد (نوری و اسلامپور کریمی، ۱۳۹۳، ص ۴۴)؛ و عفاف و حجاب در این میان نقش مهمی در ارتقای این هویت ایفا می‌کنند. اسلام نه تنها حضور زن را در جامعه منع نکرده، بلکه در مواردی به آن تشویق کرده است؛ نمونه آن بیعت زنان با پیامبر (ص) است که نشان‌دهنده مشارکت اجتماعی زنان در صدر اسلام است (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۱). با این حال، حضور مطلوب زن در نگاه اسلامی، حضوری آمیخته با حجاب و عفاف است تا او را از تعرض مردان هوس‌ران محفوظ نگاه دارد (جزایری، ۱۳۹۰، ص ۳۸). به بیان دیگر، رعایت حدود عفاف، بستر حضور سالم، مؤثر و عزتمندانه زن را فراهم می‌کند.

حضور بی‌ضابطه و بدون رعایت معیارهای اخلاقی، نه تنها موفقیتی برای زن به همراه ندارد، بلکه کرامت انسانی او را نیز خدشه‌دار می‌کند و وی را در معرض نگاه‌های ابزاری و شکارچیان قرار می‌دهد؛ چنان‌که قرآن نیز هشدار می‌دهد که رفتار انسان می‌تواند او را به عزت یا ذلت سوق دهد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۱۲). چنین حضوری، زن را از جایگاه بلند کرامت انسانی به ورطه تحقیر جنسی می‌کشاند و او را از رسیدن به نقش‌های اجتماعی سالم بازمی‌دارد (گمشادزهی، ۱۳۷۹، ص ۴۱).

آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَّ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» نیز نشان‌دهنده آن است که زنان همچون مردان حق مالکیت بر دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی خود دارند و حاصل تلاششان به خود آنان اختصاص دارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۷۹). این آیه ضمن تأیید حضور اجتماعی زنان، استقلال اقتصادی و اجتماعی آنان را نیز تأیید می‌کند. پس اسلام نه با حضور زن در عرصه عمومی، بلکه با حضور بی‌حجاب و فاقد ضوابط اخلاقی مخالفت دارد.

حجاب و عفاف در جامعه، پیش از آنکه محدودیتی برای زن باشد، نقش محافظتی و ارتقایی دارد و شرایط رشد و تعالی او را پدید می‌آورد. رعایت حجاب، بستر سلامت اجتماعی و کاهش فساد را فراهم می‌کند و با صیانت از جایگاه زن، هویت اجتماعی او را استحکام می‌بخشد (طاهری‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۸۲). در واقع اسلام با تأکید بر پوشش و پاکدامنی، هم سلامت اجتماع را تضمین می‌کند و هم زن را در جایگاهی والا و محترم قرار می‌دهد تا هیچ‌کس نتواند حریم شخصیتی او را خدشه‌دار کند. بدین ترتیب، حجاب نه تنها ابزاری برای حفظ سلامت اخلاقی جامعه است، بلکه رکن مهمی در هویت اجتماعی زن مسلمان نیز به شمار می‌رود (ماهینی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش «نقش عفاف و حجاب در شکل‌گیری هویت زن مسلمان» نشان می‌دهد که عفاف و حجاب در منظومه ارزشی اسلام جایگاهی بنیادین داشته و به مثابه یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن تلقی می‌شود. هویت فردی زن مسلمان، که مجموعه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی، باورها، ارزش‌ها، اهداف و گرایش‌های درونی او را شامل می‌شود، به‌طور مستقیم تحت تأثیر میزان پایداری او به عفاف و حجاب قرار دارد. در این میان، خصایصی همچون حیا و پاکدامنی، تسلط بر امیال نفسانی، تقوا، اعتمادبه‌نفس و وقار، از جمله عناصر سازنده هویت فردی‌اند که عفاف و حجاب در تقویت و تثبیت آن‌ها نقشی محوری ایفا می‌کند. با توجه به گستردگی ابعاد این موضوع، پژوهش حاضر صرفاً به بخشی از این مؤلفه‌ها پرداخته و بررسی سایر ابعاد می‌تواند زمینه مناسبی برای پژوهش‌های آینده فراهم آورد.

عفاف و حجاب از آن جهت اهمیت دارند که زمینه‌ساز شکل‌گیری و استحکام حیا در وجود زن هستند؛ و حیا به‌عنوان یکی از کارآمدترین عوامل بازدارنده از گناه، نقش تعیین‌کننده‌ای در پاکدامنی زن دارد. افزون بر این، رعایت عفاف و حجاب با کنترل

رفتارهای ظاهری و درونی، مانع تسلیم شدن زن در برابر امیال نفسانی شده و او را به سوی خویشتنداری اخلاقی و پایداری ارزش مدارانه هدایت می‌کند. همچنین پایبندی به پوشش اسلامی که نوعی خودنگهداری در برابر نافرمانی الهی است، بستر تقوای درونی را فراهم می‌سازد و به‌عنوان یک ارزش محوری در هویت زن مسلمان نقش‌آفرینی می‌کند. این مجموعه از آثار، نشان می‌دهد که عفاف و حجاب در تکوین هویت فردی زن، تنها یک امر نمادین نیست، بلکه ساختاری عمیقاً اخلاقی و تربیتی دارد. در حوزه خانواده نیز عفاف و حجاب نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌بخشی به زن ایفا می‌کند. ایفای نقش همسری، که بر پایه وفاداری، تعهد و صیانت از پیمان زناشویی استوار است، در گرو عفاف و پایبندی زن به حدود اخلاقی و شرعی معنا پیدا می‌کند. به همین ترتیب، هویت مادری که بر محبت، مراقبت و تربیت صحیح فرزند استوار است، به‌شدت تحت تأثیر پاکدامنی مادر قرار دارد؛ زیرا زن عقیف به‌واسطه سلامت درونی و پایبندی به ارزش‌ها، توانایی بیشتری در انتقال فضایل اخلاقی به فرزند و هدایت او به سوی تربیت سالم دارد. بدین ترتیب، فقدان عفاف و حجاب می‌تواند به خدشه‌دار شدن هویت مادری منجر شود و توان زن را در ایفای نقش‌های بنیادین خانوادگی تضعیف کند.

در عرصه اجتماعی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام با حضور زن در اجتماع نه‌تنها مخالفتی ندارد، بلکه آن را در بسیاری از موارد ضروری می‌شمارد. آنچه معیار حضور مطلوب زن در جامعه است، کیفیت این حضور است که باید مبتنی بر عفاف و حجاب باشد تا زن از آسیب‌های احتمالی و نگاه‌های ابزاری مصون بماند. رعایت پوشش اسلامی به زن هویت، شخصیت، منزلت و عزتی اجتماعی می‌بخشد و حضور او را از سطحی‌گری و شیء‌انگاری دور می‌سازد. بنابراین، عفاف و حجاب نه‌تنها در شکل‌گیری هویت فردی و خانوادگی زن نقش بنیادی دارد، بلکه رکن اصلی هویت اجتماعی زن مسلمان نیز به شمار می‌رود و در مجموع، ساختار هویتی جامع او را سامان می‌دهد.

فهرست منابع

- قرآن کریم

کتاب‌ها

۱. پیشوایی، فریده. (۱۳۸۶ش). عفاف و حجاب در سیما (آسیب‌ها و راهکارها) (چاپ سوم). تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ دفتر امور زنان و خانواده سازمان صدا و سیما.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (بی‌تا). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی (چاپ اول). قم: مکتب الإعلام الاسلامی، مرکز النشر.
۳. ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۸۳ق). روان جاوید (چاپ دوم). تهران: برهان.
۴. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۲ش). حریم ریحانه: پیام‌های کوتاه و زیرنویس ویژه عفاف و حجاب (چاپ اول). قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۵. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی‌عشری (چاپ اول). تهران: میقات.
۶. طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش). اطیب‌البیان (چاپ دوم). تهران: اسلام.
۷. عمید، حسن. (۱۳۶۴ش). فرهنگ فارسی عمید (چاپ ششم). تهران: امیرکبیر.
۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۷ش). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزایری (چاپ سوم). قم: دارالکتاب.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. معین، محمد. (۱۳۸۷ش). فرهنگ فارسی معین (چاپ دوم). تهران: زرین.
۱۲. مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۱ش). حجاب‌شناسی (پرسیمان حجاب) (چاپ اول). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۳. هاشم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۱ش). فلسفه حجاب (چاپ دوم). اصفهان: نقش‌نگین.

مقالات

۱۴. احمدی، خدیجه؛ کریم‌نیا، محمدمهدی و انصاری‌مقدم، مجتبی. (۱۴۰۱ش). «تحلیل آثار عفت و حیا بر رفتار و شخصیت اجتماعی با تأکید بر مستندات قرآنی-روایی». پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، شماره ۳۴.
۱۵. اسکندری‌نژاد، خدیجه. (۱۳۸۹ش). «نقش شخصیت مادر در تربیت دینی فرزندان». طهورا، شماره ۷.
۱۶. ابروانی، جواد و عمادی، علی. (۱۳۹۲ش). «واکاوی چارچوب و شاخصه‌های اعتمادبه‌نفس در پرتو آموزه‌های قرآنی». آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۸.
۱۷. آسمان‌دره، عبدالحمید و بخت، منصور. (۱۴۰۱ش). «راهکارهای ارتقای هویت فردی و ملی دانش‌آموزان». رویکردی نو در علوم تربیتی، شماره ۱.
۱۸. آقاشریفیان اصفهانی، مهرداد. (۱۳۹۷ش). «مطالعه تطبیقی اصل حیا در آموزه‌های اسلامی و معماری سنتی». پژوهشنامه اخلاق، شماره ۴۰.
۱۹. آل‌رسول، سوسن. (۱۳۹۱ش). «اخلاق وفاداری همسران و شاخصه‌های ارزشی آن در اسلام». زن و مطالعات خانواده، شماره ۱۶.
۲۰. بی‌نام. (۱۳۵۹ش). «وفاداری به پیمان‌های الهی». درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱.
۲۱. پسندیده، عباس. (۱۳۹۶ش). «روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربردی آن در مفهوم حیا». اخلاق و حیانی، شماره ۲.
۲۲. پوراصغر، مرضیه. (۱۴۰۰ش). «جایگاه حیا در فعالیت اجتماعی زنان از منظر اندیشه اسلامی». مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، شماره ۵.
۲۳. جباری، کامران؛ محمدی‌ایر، قاسم و اطمینان‌زهرناس، زهرا. (۱۴۰۱ش). «حیا از منظر قرآن و روایات و جایگاه آن در تعلیم و تربیت». تربیت اسلامی، شماره ۴۰.
۲۴. جزایری، مریم. (۱۳۹۰ش). «اندیشه: رابطه حجاب با حیا و عفاف». رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۸۱.
۲۵. جوکار، محبوبه. (۱۳۹۲ش). «الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی». معرفت، شماره ۱۸۶.
۲۶. حر، حسین و دیگران. (۱۳۸۸ش). «قرآن کریم و فرهنگ تکمیل مکرمت‌ها و فضایل در نهاد خانواده: حیا در احیای نهاد خانواده و جامعه از منظر قرآن و حدیث». کوثر، شماره ۳۳.
۲۷. حسین‌زاده، علی. (۱۳۸۹ش). «نقش عفت و حیا در رضایت‌مندی زن و شوهر». معرفت اخلاقی، شماره ۲.
۲۸. حسینی‌زاده، علی. (۱۳۹۵ش). «نقش وراثتی مادر در تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام». تربیت اسلامی، شماره ۲۲.
۲۹. حسینی، مهدی. (۱۴۰۲ش). «چیستی تقوا و بنیان‌های معرفتی صدور فعل تقوا و فرایند تحقق ملکه آن». معرفت، شماره ۳۱۲.
۳۰. حقانی‌زنجانی، حسین. (۱۳۷۱ش). «نقش تقوا در رشد شخصیت انسان». علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۱.

۳۱. خجسته، نجمه و خرمی‌نسب، الهام. (۱۳۹۸ش). «شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور». اخلاق، شماره ۵۵.
۳۲. ذوالفقاری، فرشته؛ ستاری، علی و بناهان‌قمی، مریم. (۱۴۰۲ش). «تبیین فلسفی نسبت میان حیا و حجاب و دلالت‌های تربیتی آن در تربیت اسلامی». تربیت اسلامی، شماره ۴۵.
۳۳. ربیع‌نجاج، علی‌اکبر و روح‌الله‌زاده اندواری، عالیه. (۱۳۸۹ش). «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۶.
۳۴. شریفی، مهین. (۱۳۹۰ش). «در ژرفای تقوا: تأملی دیگر در واژه تقوا». بینات، شماره ۳.
۳۵. شفیع‌سروستانی، ابراهیم و میرشفیعی، روح‌الله. (۱۴۰۰ش). «تحلیل روایی ارتباط جنسیت و فضایل اخلاقی با تکیه بر آموزه‌های شیعی (مطالعه موردی: صبر و حیا در برابر شهوت)». علوم حدیث، شماره ۴.
۳۶. شفیع‌سروستانی، محمد. (۱۳۹۰ش). «چیستی حجاب اسلامی: معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب». پژوهش‌های فقهی، شماره ۲.
۳۷. شیخ‌شعاعی، فهیمه. (۱۳۹۶ش). «جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر». فرهنگ مردم ایران، شماره ۴۸.
۳۸. طاهری‌نیا، احمد. (۱۳۸۵ش). «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن». معرفت، شماره ۱۰۷.
۳۹. فعالی، محمدتقی. (۱۳۹۳ش). «پایش آموزه؛ نشانه‌های کمبود اعتمادبه‌نفس از منظر دین». پایش سبک زندگی، شماره ۲.
۴۰. قرباغی، حسن؛ یوسفی‌افراشته، مجید و صالحی، وحید. (۱۳۹۷ش). «تأثیر شبکه‌های مجازی بر حجاب و عفاف، هویت دینی و فردی، تعامل با خانواده و افسردگی و انزوا در بین جوانان». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۴۲.
۴۱. کاظمی، غلامرضا؛ مدرس، قاسم و عطاری، جمال. (۱۴۰۱ش). «ارتباط بین هویت مذهبی و عوامل نسبیّت با میزان اعتمادبه‌نفس دانشجویان رشته زبان انگلیسی». پژوهشنامه تربیتی، شماره ۷۳.
۴۲. گمشادزهی، عبدالهادی. (۱۳۷۹ش). «چرا حجاب؟». ندای اسلام، شماره ۴.
۴۳. لواسانی، محمدرضا و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۱ش). «الگوی اعتمادبه‌نفس در اخلاق اسلامی». مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۰.
۴۴. ماهینی، انسیه. (۱۳۸۹ش). «مفهوم‌شناسی حیا و عفاف؛ آسیب‌ها و راهکارها». پژوهشنامه اخلاق، شماره ۱۰.
۴۵. ملک‌میرزایی، صادق؛ سلیمانی‌یان، مسلم و یاری، سیاوش. (۱۴۰۱ش). «بررسی پیامدهای سیاست کشف حجاب رضاشاه بر هویت اسلامی زنان». مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۲.
۴۶. موسوی‌نیا، سعیده. (۱۳۸۶ش). «واژه‌شناسی عفاف و حجاب». پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۱.
۴۷. نصرتی، مهدی و العالمی‌بکتاش، حسن. (۲۰۱۶م). «حجاب؛ ثمره عفاف (مطالعه موردی: نگاهی به مقوله عفاف و حجاب در فضای مجازی)». Pure Life، شماره ۳.
۴۸. نوری، اعظم و اسلامپور‌کریمی، حسن. (۱۳۹۳ش). «نقش مادر در آموزه‌های قرآنی». پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۲.